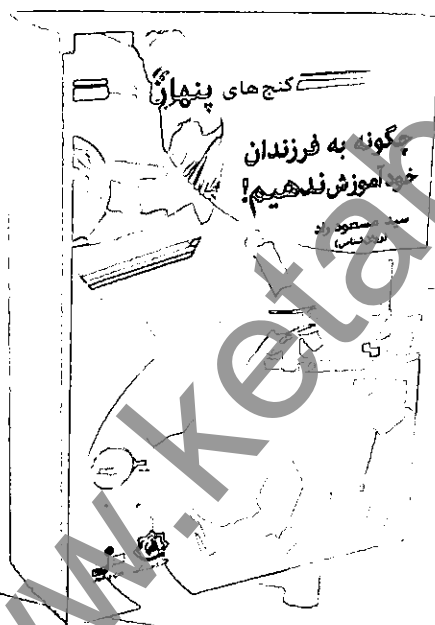




کلیه حقوق این کتاب برای

انتشارات برادری و نسل نو اندیش محفوظ است

هیچ شخصی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این کتاب را ندارد و متخلفین به موجب بند ۵ ماده ۲ قانون حمایت از ناشران تحت پیگرد قانونی قرار می گیرند.

راد، مسعود، ۱۳۴۲ -
چگونه به فرزندان خود آموزش ندهیم؟/مسعود راد.
تهران: برادری، ۱۳۹۲.

۳۰۴ ص.
۹۷۸-۶۰۰-۶۷۹۰-۰۵-۳

بلائی عنوان: گنج‌های پنهان.

گنج‌های پنهان.

رفتار والدین

والدین و کودک

HQ ۷۵/۷۵/۱۵ چ ۱۳۹۲

۶۴۹/۱

۸۸۲۸۸

چگونه به فرزندان خود آموزش ندهیم!

نویسنده: سیدمسعود راد

ویراستار: الناز خجسته

صفحه‌آرا: الهه ایسی

طراح کاریکاتور: سام سلماسی

ناشر: برادری

ناشرهمکار: نسل نواندیش

شمارگان: ۲۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول

سال چاپ: ۱۳۹۲

قیمت: ۱۰۹۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۷۹۰-۰۵-۳

ISBN: 978-600-6790-05-3

فهرست

۱۵	 مقدمه
۲۳	 شناخت اهداف والای تربیت
۲۳	 ارزش گنج پنهان را بشناسیم
۲۵	 شناخت ارزش گنج
۲۹	 نقشه‌ی گنج
۳۰	 استخراج معدن
۳۵	 تقویت اعتماد به نفس
۳۵	 نخستین گام برای رسیدن به گنج پنهان
۳۶	 کمک
۳۷	 آن روی سکه
۳۸	 آموزش زرافه
۳۹	 پایه‌ی تعالی
۴۱	 عدم اعتماد به نفس
۴۵	 تقویت مسؤولیت‌پذیری
۴۵	 دومین گام برای رسیدن به گنج پنهان
۴۶	 به همین زودی!
۴۹	 تلخ و شیرین!
۵۰	 یورش فکر
۵۵	 یک، دو، سه، چهار
۵۷	 پایه‌های خلاقیت
۶۱	 تقویت عزت نفس
۶۱	 سومین گام برای رسیدن به گنج پنهان
۶۲	 بال‌های پرواز
۶۵	 معلم بزرگ
۶۹	 چتر باز
۷۳	 ضمانت اجرایی
۷۹	 شناخت موانع رسیدن به خودشکوفایی
۷۹	 عبور از دیوارهای نامرئی برای دستیابی به گنج پنهان

- ۸۰ نفر پنجم
- ۸۲ جوجه اردک‌ها
- ۸۷ آرزوهای ما:
- ۸۷ اولین دیوار نامرئی برای دستیابی به گنج پنهان
- ۸۸ بندها بعد از این
- ۹۲ آرزوهای بادکنکی
- ۹۵ لوح بگیریم
- ۹۷ پزشکان دلسوز
- ۱۰۵ مسابقه‌های ما:
- ۱۰۵ دومین دیوار نامرئی برای رسیدن به گنج پنهان
- ۱۰۶ رقابت نیمه
- ۱۰۸ شمارش قبرها
- ۱۱۰ فرزندان ناخلف
- ۱۱۴ جشن تلاش
- ۱۱۶ نقاب زیبا
- ۱۱۹ یکی طلبت
- ۱۲۰ بدانم بمیرم؟ یا
- ۱۲۵ برچسب‌های ما:
- ۱۲۵ سومین دیوار نامرئی برای رسیدن به گنج پنهان
- ۱۲۶ اصغر غده
- ۱۲۸ زشت و زیبا
- ۱۳۰ شاگردان شر
- ۱۳۱ جالباسی
- ۱۳۴ دیوار چین
- ۱۳۷ ورود به غار تنهایی فرزند
- ۱۳۷ ورود به مخفیگاه گنج پنهان
- ۱۳۸ خاکستری
- ۱۴۰ ورود نااهلان
- ۱۴۱ آتش‌نشانی
- ۱۴۴ انفجار مهیب
- ۱۴۷ مبارزه با خودبینی

۱۴۷.....	کشتن اولین مار افعی گنج پنهان.....
۱۴۸.....	شیشه‌ی ماشین.....
۱۵۰.....	موتورسیکلت.....
۱۵۳.....	نیم من!.....
۱۵۶.....	پادزهر.....
۱۵۹.....	مبارزه با ترس و اضطراب.....
۱۵۹.....	کشتن دومین مار افعی گنج پنهان.....
۱۶۰.....	پنج‌ره‌های امید.....
۱۶۱.....	نبروگاه برق.....
۱۶۵.....	ناز کمارنجی.....
۱۷۱.....	چگونه به فرزندمان خود آموزش ندهیم.....
۱۷۱.....	به کارگیری هفت کلید طلایی گنج پنهان.....
۱۷۲.....	نیاموزیم.....
۱۷۳.....	آموزش امروز.....
۱۷۶.....	هفت کلید طلایی.....
۱۸۱.....	مدیریت فکر و اندیشه.....
۱۸۱.....	اولین کلید طلایی گنج پنهان.....
۱۸۲.....	شوقاژ روشن.....
۱۸۷.....	مامان تو محشری!.....
۱۹۲.....	کایت سواری.....
۲۰۱.....	عشق به دانایی و معرفت.....
۲۰۱.....	دومین کلید طلایی گنج پنهان.....
۲۰۲.....	۲-۲. ماهی‌های آب شور.....
۲۰۶.....	استخر توپ.....
۲۱۱.....	امیدواری و توکل به خدا.....
۲۱۱.....	سومین کلید طلایی گنج پنهان.....
۲۱۲.....	خدا نمی‌میرد.....
۲۱۶.....	خدای اکبر.....
۲۱۹.....	صندلی داغ.....
۲۲۵.....	پذیرش خود، عشق ورزی به مردم و جهان هستی.....
۲۲۵.....	چهارمین کلید طلایی گنج پنهان.....

- ۲۲۶.....جراح مغز و اعصاب
- ۲۲۹.....پارکینگ همسایه
- ۲۳۴.....دیدگاه الهی
- ۲۳۶.....برکته‌ی مرگ
- ۲۴۱.....عشق و رزی به فرهنگ، هنر و میهن
- ۲۴۱.....پنجمین کلید طلایی پنهان
- ۲۴۲.....کاغذ دیواری
- ۲۴۷.....ساده زیستی و اجتناب از زندگی تجملی
- ۲۴۷.....ششمین کلید طلایی گنج پنهان
- ۲۴۸.....آب دروغ خیار
- ۲۵۵.....شهامت و آزادگی در دفاع از حق و حقیقت
- ۲۵۵.....هفتمین کلید طلایی گنج پنهان
- ۲۵۶.....پنک آهنین
- ۲۵۹.....تو نه، شما!
- ۲۶۲.....آن مرحوم
- ۲۷۳.....رسیدن به خود شکوفایی و فرهیختگی
- ۲۷۳.....بهره‌وری از گنج پنهان
- ۲۷۶.....۱. ارتباط معنوی با خالق هستی
- ۲۷۷.....۲. دیدگاه‌ها و عادات شخصی
- ۲۸۳.....۳. مواضع و عملکردهای فردی
- ۲۸۸.....۴. روابط خانوادگی
- ۲۹۰.....۵. روابط اجتماعی
- ۲۹۴.....۶. ارتباط با جهان هستی
- ۲۹۷.....سخن آخر
- ۲۹۸.....منابع و مآخذ
- ۳۰۲.....منابع خارجی

مقدمه

گنج‌های پنهان

فرزند تو هست همچو گنجی پنهان
با صبر، هویدا شود این سر نهان

... می‌گفت: برای استاد بزرگ و فرهیخته‌ام که سال‌ها افتخار شاگردی‌اش را داشتم، مجلس بزرگداشتی در دانشگاه برپا بود. با پسر دوازده ساله‌ام در این مجلس بسیار باشکوه شرکت کردیم. پس از اتمام مراسم، استاد به اتاق مخصوص استادان رفتند تا در آن‌جا به پرسش‌های تعدادی از دانشجویان پاسخ بگویند. هنگامی که اتاق خلوت شد. از پسرم خواستم بیرون اتاق صبر کند تا به داخل بروم و از استاد پرسشی کنم و به سرعت بازگردم. وارد اتاق شدم و پرسش من و پاسخ استاد مدتی طول کشید. در این میان پسرم سرش را به داخل آورد و رو به من گفت: «پدر بیا دیگه!» استاد وقتی فهمید که او فرزند من است، به داخل دعوتش کرد و ضمن این که به پایش بلند شد، با او دست داده و خوش آمد گفت و مانند یک بزرگسال، برای نشستن به او تعارف کرد؛ استاد رو به من کرده و گفت: «اینان آینده‌سازان جامعه هستند. اگر

ما به آن‌ها احترام بگذاریم، به کسب دانش علاقه‌مندتر خواهند شد.» از این‌جا بود که دریافتم چرا استادم را تجلیل و او را در شمار فرهیختگان قلمداد کرده‌اند...

شاید تا کنون داستان‌ها افسانه‌ها یا فیلم‌های مربوط به گنج را دیده باشید. صندوقچه‌ای پر از طلا و جواهر در یک جزیره، در وسط اقیانوس یا درون یک غار یا کوه! این داستان‌ها اغلب با قتل و غارت‌های بی‌دان دریایی و افراد سودجو و ماجراهای عجیب و غریب همراه است؛ ولی یافتن گنج و ثروت فراوان نیز به خودی خود، بسیار جالب و هیجان‌انگیز است. با این وجود گنج همیشه پنهان می‌ماند و برای یافتن آن باید نخست نقشه‌اش را بیابیم. نقشه‌ی گنج معمولاً با زبانی رمزی نوشته می‌شود، در نتیجه هر کسی به سادگی نمی‌تواند به آن دسترسی یابد و به رمزگشایی نیاز دارد. اگر نقشه‌ی یک گنج واقعی در اختیارمان باشد و این گنج در وسط اقیانوس و در یک جزیره یا دل کوهی باشد، آیا برای یافتنش به آن‌جا نخواهیم رفت و کندن کوه و مواجهه با سختی‌های فراوان برایمان دشوار خواهد بود؟

بیاید همچون داستان‌های هیجان‌انگیز جویندگان طلا و گنج، با هم به سفری شگفت آور و پر مخاطره برویم. برای رسیدن به گنج ابتدا باید گنج پنهان را شناخته و به اهمیت آن پی ببریم، زیرا اگر ندانیم تا چه اندازه پربهاست؛ هیچ‌گاه به فکر یافتنش نخواهیم افتاد و سختی‌های رسیدن به آن را تحمل نخواهیم کرد.

اگر بدانیم گنج گران بهایی در منزلمان است، چه حالی می‌شویم؟
 حتماً خیلی هیجان‌زده و خوشحال خواهیم شد؛ زیرا زحمتان کم شده
 و آسان‌تر می‌توانیم آن را کشف و از آن استفاده کنیم. خوب به
 فرزند خود نگاه کنیم. گنج واقعی در درون او قرار دارد؛ البته اکنون
 پنهان است و باید آشکار شود. در این میان ما با تغییر در رفتار،
 اندیشه و منش خود، اسباب شکوفایی و رونمایی آن را فراهم
 خواهیم کرد و بی‌شک راه رسیدن به آن آسان نیست و به نقشه‌ی
 رمزخوانی شده و اجرای مو به مو نیاز دارد. به این منظور، باید مانند
 افسانه‌های گنج، درست طبق نقشه، روی نقطه‌ی آغازین بایستیم و
 بعد سه گام به جلو برداریم، آن‌گاه راه عبور از سه دیوار نامرئی را
 بیاموزیم و پس از گذر از آن‌ها وارد غار تنهایی فرزندمان شویم.
 لحظه‌ی باشکوهی است؛ ولی برای رسیدن به گنج هنوز راهی طولانی
 در پیش داریم. در ادامه باید دو مهارت افعی و خطرناکی را که روی
 گنج خوابیده‌اند، کشته و از سر راه برداریم و در نهایت هفت کلید
 به‌دست آوریم که به کارگیری آن‌ها، قفل گنج وجود فرزندمان را
 باز کرده و محتویات ارزشمند و دیدنی وجودش را آشکار خواهد
 کرد. اگر طبق این نقشه عمل کنیم، به گنج واقعی رسیده و در آن
 به‌روی ما گشوده خواهد شد.

آب در کوزه و ما تشنه لبان می‌گردیم

یار در خانه و ما گرد جهان می‌گردیم

گنج چیست؟ صندوق یا کیسه‌ای پر از طلا و سنگ‌های قیمتی. چرا
 قیمتی؟ زیرا کمیاب است و به همین جهت مردم حاضرند در ازای

دستیابی به آن‌ها پول زیادی بپردازند و پول نیز وسیله‌ای است برای کسب رفاه و راحتی. فلزات و سنگ‌های درخشان ارزش و بهای ذاتی ندارند، بلکه فقط درخشنده و زیبا هستند. در این میان کمیابی آن‌هاست که قیمتی‌شان کرده است. حال بپندارید مقدارشان به قدری زیاد شود که هر کس هر مقدار از آن‌ها را که بخواهد به آسانی بتواند به دست آورد. در آن صورت گنج، دیگر ارزشی نخواهد داشت؛ پس گنج واقعی آن است که بهای آن با افزایش مقدارش کم نشود.

زیبایی‌های مادی و ظاهری اغلب یا با گذشت زمان درخشندگی و زیبایی خود را از دست می‌دهند یا با زیاد شدن، ارزش و بهایشان کم می‌شود؛ اما زیبایی معنوی به‌تنها تحت تأثیر عوامل فوق درخشندگی و جلوه‌ی خود را از دست نمی‌دهد، بلکه ارزش و بهای بیشتری نیز می‌یابد. برای مثال صداقت، علم، معرفت، هنر و غیره گنج‌های زیبای معنوی هستند. اگر روزی همه‌ی مردم دنیا واجد آن‌ها شوند، از ارزش و بهای این صفات کم نخواهد شد یا گذشت زمان نیز از جلوه، درخشش و زیبایی‌شان نخواهد کاست. چنانچه حضرت علی(ع) می‌فرمایند: «هر چیز زمانی که اندک است، در بین مردم عزیز می‌شود، مگر علم که هر گاه فزونی یابد، عزیزتر می‌گردد.»

پس گنج واقعی در علم، معرفت، اخلاق و معنویت و آشکار کردن همین ارزش‌های واقعی نهان است که فرزند ما به یاری توانایی‌ها و

استعدادهایش و با الگوبرداری از رفتارهای شایسته و مناسب ما والدین، می‌تواند آن‌ها را آشکار سازد.

با استقبال شایانی که شما خوانندگان گرامی از کتاب آینه‌های شفاف ۱ «چگونه فرزندان خود را تربیت نکنیم؟» کرده‌اید، مسئولیت مرا نیز سنگین‌تر نموده‌اید؛ زیرا به این ترتیب مخاطبان آثار من توفع خواندن مطالبی متفاوت، علمی، جذاب، شاد و مفرح را خواهند داشت و برای کسب سعادت واقعی فرزندان‌شان در پی روشی کارساز خواهند بود؛ لذا این بار نیز به یاری خدا قصد دارم با همان روش پیشین، در مسیر راهنمایی و هدایت خود و خوانندگانم گام بردارم.

گنج‌های پنهان «چگونه به فرزندان خود آموزش بدهیم؟» به راه‌های دستیابی به سعادت و خوشبختی واقعی فرزندانمان می‌پردازد که یکی از آن‌ها تحصیلات برتر علمی است. این کتاب قصد دارد به اهداف عالی آموزش و پرورش در تمام سطوح بپردازد. در این‌جا منظور از «آموزش ندادن» این است که باید به عمل خود آموزش بدهیم نه با کلام، یعنی کاری کنیم تا فرزندان ما خود یادآورند و برای رشد توانایی‌هایشان وابسته به دیگران نباشند، حتی معلمان و مربیان. باید به گونه‌ای اقدام کنیم تا فرزندان ما موتور حرکت و رشد خود باشند؛ یعنی توقع پاداش از جانب ما یا جامعه را نداشته باشند و کسب علم و معرفت را به تنهایی یک پاداش بدانند. اگر بخواهیم فرزندانمان این گونه تربیت شوند ما نیز باید رشد کنیم، زیرا رشد معنوی و روانی انسان تا پایان عمر متوقف نخواهد شد و فقط با مرگ پایان می‌یابد. «به‌یاد داشته باشیم قبل از آن‌که به خود جرأت دهیم انسانی را تربیت کرده یا

تعلیم دهیم، باید خودمان به خوبی تربیت شده و تعلیم دیده باشیم. باید بتوانیم خودمان را از هر لحاظ سرمشق او قرار دهیم.^۲

اگر از آموزش مستقیم دست برداریم، فرزندان ما فعال‌تر و دقیق‌تر خواهند شد. این در حقیقت طرز فکری است که در ایران باستان یا تاریخ زندگی پدران ما بیشتر رواج داشته و ابوعلی سیناها، رازی‌ها، سعدی‌ها، پروین‌ها، حافظ‌ها، حسابی‌ها و هزاران دانشمند و هنرمند فرهیخته‌ی دیگر را پرورانده است؛ افرادی که دانش، حکمت، عرفان حقیقی، معرفت و هنر را با هم کسب کرده و در راه کسب دانش، خودجوش و «فعال» بوده و برای کسب علم، سختی‌های فراوانی را متحمل شده‌اند. گذشتگان ما بیش از ما به تفکر، اندیشه، تجربه و پژوهش ارج می‌نهادند و شخصیتی بالنده، خودشکوفای و شیفته‌ی دانش داشته‌اند و در نهایت منشآت تحولات عظیم انسانی، اخلاقی، علمی، ادبی و معرفتی در قرون و نسل‌های متمادی شده‌اند. فرزندان ما نباید تک‌بعدی یا تک‌ساختی بار بیایند و فقط برای کسب مدرک و رسیدن به مواهب مادی به دنبال تحصیل علم بروند، بلکه باید انسان‌هایی خودشکوفای، عالمانی فرهیخته و فرزانی جاوید شوند. برای رسیدن به این هدف بنیادین، ابتدا باید سعادت واقعی را بشناسیم و خود نیز در این راه گام برداریم. در ضمن بکشیم آن‌ها را وادار به انجام امور تحصیلی، موقتی و زود گذر نسازیم، زیرا مشکلات بسیاری به همراه دارد. فرزندان ما با رفتار ما ساخته می‌شوند نه با گفتارها، نصایح و فرمان‌های ما. زمانی که خودمان پوینده‌ی راه تکامل هستیم، آن‌ها نیز به یاری

^۲. روسو ژان ژاک، *امیل یا آموزش و پرورش*

توانایی‌ها و استعدادهای خود و الگوگیری از رفتارهای ما بهتر می‌توانند به تکامل روحی و معنوی برسند.

این بار نیز با زبانی ساده، روان ولی علمی و کاربردی به یکی از خطاهایی که ما والدین و مربیان اغلب در تربیت فرزندانمان مرتکب می‌شویم، یعنی «تک‌بعدی کردن آموزش» پرداخته‌ام. مشکل آن جاست که ما بیشتر به آموزش مستقیم می‌پردازیم تا تربیت آن‌ها برای فرهیختگی و فرزاندانی. البته در جلد سوم این مجموعه با نام گلهای با طراوت یا «چگونه از فرزندان خود حمایت نکنیم» به موضوع تربیت و رشد اجتماعی و اخلاقی فرزندانمان به‌طور مفصل خواهیم پرداخت؛ اما در کتاب حاضر، تنها در مواردی به این مباحث اشاره شده است. از شما دعوت می‌کنم تا همچون کتاب‌های دیگرم از لطایف و ماجراهای جالب و مشاوره‌ای، اشعار، حکایات و افسانه‌های تاریخی لذت ببرید و ضمن کسب شادمانی و لبخند، به این موضوعات نیز بپیمایید.

خواننده‌ی گرامی، مثل همیشه با تمام وجود از شما خواهشمندم از نوشته‌های من انتقاد کنید و راهنمایی و ارشاد ما را بپذیرید تا هم بتوانیم به دانش علمی و فرهنگ ایرانی- اسلامی جامعه‌ی خود باری رسانده و هم زمینه‌ی رشد و تکامل خود و خانواده‌های بسیاری را فراهم سازیم.

با تشکر و آرزوی سلامت و موفقیت

برای شما و فرزندان گرامی‌تان

سیدمسعود راد